عصر ایرانیان
سه‌شنبه ۲۰ آذرماه ۱۴۰۳ ■ ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ ■ شماره ۴۲۷۶

محسن منصوری:

هیچگاه از شهید رئیسی حرف ناامید کننده نمی‌شنیدیم

معـاون اجرایـی دولت سـیزدهم گفـت: یکی از ویژگی‌های شـهید رئیسی امید و نشاط و امیدواری مضاعفی بود که ایشان به آینده داشتند و ما هیچگاه از شهید رئیسـی حرف ناامید کننده نمی‌شنیدیم. به گزارش «عصر ایرانیان»، نشست «تبیین دستاوردها و گفتمان حاکم بر دولت شـهید رئیسی» با حضور محسـن منصوری معاون اجرایی دولت سیزدهم در دانشـگاه صدا و سـیما برگزار شد. منصوری ضمن تبریک روز دانشـجو گفـت: با توجه به سـرعت تحـولات در روزهای اخیر اهمیت بازخوانی اتفاقات در شش هفت ماه گذشته اهمیت دوچندانی می‌یابد. این تحولات در تاریخ چند صد ساله اخیر کم سابقه و بی‌سابقه بوده است. معاون اجرایی دولت سیزدهم تاکید کرد: اگر دانشـجویان نسبت به اتفاقات تاریخ معاصر آگاهی نداشته باشند نخواهند توانست وظیفه خود را به خوبی ایفا کنند. اگر بدنه دانشـگاه با یک رکودی همراه باشـد از بقیه جامعه نمی‌توان توقعی داشـت. جوان دانشـجویی ویژگی آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری دارد و به همین مناسبت جوانان ما مورد کینه و طمع دشمنان هسـتند. وی افزود: بازخوانی اتفاقات ۱۶ آذر به صورت هر سـاله برای آن است که بتوانیم دشـمن خود را به خوبی بشناسـیم و از آب خوردن مردم تا مسائلی مانند داروی کرونا را به آن گره نزنیم و دشـمن را عاقل و باهوش نخوانیم. باید ظرفیت متخصصان داخلی را بشناسیم و به آن احترام بگذاریم. منصوری خاطرنشـان کرد: تعاریفی که رهبر انقلاب از شـهید رئیسـی فرمودند درباره کمتر کسی شاهد هستیم. اگر بتوانیم ابعاد شخصیت شهید رئیسی را درست تعریف کنیم، آنگاه می‌توانیم از ایـن الگو برای ایفای نقش خود اسـتفاده کنیم. مأموریت اصلی جریان دانشـجویی در دوره حاضر افزایش سرمایه اجتماعی است و بعد از آن، مأموریت جامعه دانشگاهی ما اقدام جهت تحقق دولت و تمدن اسـلامی است. وی با اشـاره به ویژگی‌های شهید رئیسـی گفت: اولین ویژگی شهید رئیسی اخلاص و سلامت ایشـان و کار برای خدا بود. ما در مدتی که در خدمت ایشـان بودیم و سـربازی می‌کردیم، با افتخار می‌گویم که ایشـان کاری انجام نمی‌داد، الا بـرای خدا و با اخلاص. این بـود که خداوند به کار شـهید رئیسـی برکت می‌داد و اگـر یک قدم برمی‌داشـتند اثر آن در جامعه ده‌ها قدم بود. معاون اجرایی دولت سیزدهم افزود: جمعیت دشمن شکنی که برای تشـییع ایشان آمدند یک اتفاق ویژه بود و طبیعی نبود. این به معنای دلدادگی مردم به آرمان‌ها بود. وی خاطرنشان کرد: ویژگی شاخص دوم شهید رئیسی اسـتقلال ایشان بود. ایشان مستقلاً تصمیم می‌گرفتند. شـهید رئیسـی تصمیم نمی‌گرفتند الا اینکه برای این تصمیم حجت داشـتند. ایشـان به هیچ وجه زیر بار حرف و جریان‌های سیاسـی و زیر بار فشارهای رسانه‌ای نمی‌رفتند.

دکتر جلیلی در جمع دانشجویان در دانشگاه خلیج فارس بوشهر:

علیه فراموشی

به گـزارش «عصر ایرانیان»، سـعید جلیلی در آئین بزرگداشـت روز دانشجو در دانشگاه خلیج فارس بوشـهر اظهار کرد: اسـتفاده از پیشـرفت‌ها و عبرت‌گیری از مسائل تلخ در حافظه‌ی هر ملتی، سـبب رشـد آن ملت در آینده می‌شـود. دشـمن در تلاش است تا با پوشاندن و یا تحقیر موفقیت‌ها و بزرگ‌نمایی ضعف‌ها، ملت‌ها را گرفتار نگاه کاریکاتوری به شرایط کند تا بتواند به مقاصد خود دست یابد. امروز هر دانشـگاه می‌تواند یک دولت سایه باشـد. آن چیزی که دانشگاه‌ها را به محیطی پرنشاط تبدیل می‌کند، مؤثر بودن آن‌هاست. لازمه امروز کشـور ما این است که با قدرت و سـرعت پیشـرفت کند. در این پیشرفت، امکان اسـتفاده از دریاها یکی از فرصت‌های اصلی ماست. امروز، بیش‌از یک سال از ابلاغ سیاست‌های توسعه اقتصادی دریامحور توسط مقام معظم رهبری گذشته است و باید به آن توجه شود. تاریخ منطقه بوشهر، شخصیت‌های بزرگ و مقاومی همچون شهید نادر مهدوی، رئیسـعلی دلواری و میر مهنا را به خود دیده است که در مقابل استعمارگران و مستکبرین ایسـتادند. مرحوم نادر ابراهیمی در کتاب «بر جاده‌های آبی سـرخ»، به پشتوانه‌ی ۱۲ سال کار تحقیقی، به خوبی توانسته است شخصیت و اقدامـات میر مهنا را در مبارزه با اسـتکبار شـرح بدهد. مرحوم ابراهیمـی در مقدمه‌ی این کتاب، از تلاش مسـتکبرین برای حذف و تحریف این شـخصیت بزرگ پرده برداشته است. این تلاش‌ها برای تحریف تاریخ، امروز هم وجود دارد. اگر ملتـی حافظه‌ی تاریخی خود را فراموش کند، به همان نسبت، هزینه خواهد داد. امروز دشـمن در تلاش اسـت تا حافظه ملت ما را پاک کند. دشمن همواره در تلاش بوده است که بر همان ویرانه‌های نظم قدیم، نظم جدید خود را بنا نهد. در جریان هر نبردی، پیروزی‌ها و عدم موفقیت‌هایی وجود دارد اما ما باید در هر شرایطی، وظیفه‌ی خود را بشناسیم و بر اسـاس آن، عمل کنیم و با برطرف کردن نقاط ضعف، دشـمن را نسبت بـه وصول به اهدافش ناموفق کنیم. در طول تاریخ، متأسـفانه ما در نقاط بزنگاهی غایب و غافل بودیم. امروز نیز یکی از نقاط بزنگاهی تاریخ اسـت اما با این تفاوت که امروز دیگر دچار آن غیبـت و غفلت تاریخی نیسـتیم. صداقت با دانشجویان این نیست که سخنانی بگوییم تا مورد تشویق قرار بگیریم؛ بلکه باید حرف‌ها و مواضع به وضوح مطرح شـود. در عرصه‌های نظامی و دفاعی، این‌گونه نیسـت که همیشـه پیروزی اتفاق بیافتد. حتی سپاه پیامبر اکـرم (ص) که در بدر پیروز شـدند، در احـد به علت غفلت سـپاهیان شکسـت خوردند. آن چیزی که مهم اسـت، این است که در رویکرد خود دچار تردید نشویم. تردید، عامل اصلی شکست است. دشمن زمانی که می‌بیند ما به پشـت خیمه او رسیده‌ایم، اقدام به ایجاد تردید می‌کند. سعید جلیلی در پاسخ به پرسشی در موضوع استفاده از ظرفیت زنان در کشور گفت: بانوان، یک ظرفیت بزرگ در کشـور ما هستند. نمی‌توان از پیشرفت کشور سخن گفت اما از نیمی از ظرفیت کشور غافل بود. در دولت سایه، ما از ظرفیت بانوان استفاده کرده‌ایم؛ به طور مثال، مسئول کارگروه بودجه دولت سایه، یکی از بانوان است. وی ادامه داد: واقعیت این اسـت که رویکردی در کشور که راه حل همه‌ی مشـکلات را مذاکره با غرب می‌دانسـت و پس از انجام مذاکره و توافق، به اذعان آژانس بین المللی انرژی اتمی، تمام تعهدات خود را انجـام داد اما پس از همه‌ی این‌هـا، طرف مقابـل از توافق خارج شـد! می‌دانید چه چیزی باعث شـد طرف مقابل از برجام خارج شود؟ این که چند روز قبل از آن، مسئولان وقت اعلام کردند در صورت خروج آمریـکا از برجام، ایران به تعهدات خود پایبند خواهد ماند! آن‌هایی که شـعار می‌دادند هم چرخ اقتصاد بچرخد و هم چرخ سانتریفیوژها، دلار ۳ هزار تومان را تحویل گرفته و دلار ۳۰ هزار تومانی را تحویل دادند! در این ۸ سـال، رشد اقتصادی کشـور در سال‌هایی صفر، در سال‌هایی منفی و به طور متوسط ۷/۰ درصد بود. زمانی کـه آقای روحانی برای دومین بار به عنوان رئیس جمهور انتخاب شـدند، یک سال از دولت ترامپ گذشته بود. آقای روحانی با وجود دولت ترامـپ در مناظرات انتخابات سال ۱۳۹۶ گفت: «به من رأی دهید تا باقی تحریم‌ها را نیز لغو کنم!» نمی‌توان ریاسـت جمهوری یک شـخص در کشـوری دیگر را علت عدم موفقیـت دولت خودمان اعلام کنیم! کار اشـتباه آن است که وقتی کسی به صورت یک طرفه از توافق قبلی خارج شـده است، مجدداً به قدرت می‌رسد، مقاله بنویسیم و اعلام کنیم کـه آماده‌ایـم در موضوعات دیگر نیز با همان شخص مذاکره کنیم. ما در شرایطی پرونده‌ی هسته‌ای را تحویل گرفتیم که برنامه‌ی هسته‌ای کشور توسط تیم مذاکره کننده قبلی که مسئولیت آن را آقای روحانی به عهده داشـت، به صورت کامل تعلیق شده بود و در ازای آن نیز طرف مقابل به هیچ یک از تعهدات خود پایبند نبود. در دوره‌ای، واردات واکسن کرونا را به FATF ربط می‌دادند اما با پیگیری شهید رئیسی، واکسن وارد کشور شد. نباید اجازه دهیم صورت مسـئله را به صورت اشـتباه برای ما تعریف کننـد. عضو مجمع تشـخیص مصلحت نظام در پاسخ پرسشی در موضوع ناترازی‌های موجود در بخش‌های مختلف کشور گفت: نفت و گاز جزو مزیت‌های ماسـت که باید از آن‌ها اسـتفاده شود. برای اسـتفاده از چنین ظرفیت‌هایـی نباید معطل دیگران بمانیم بلکه بایـد با تکیه بر ظرفیت داخلی و توانمندی جوانانمان، از سرمایه‌های کشور بهره برداری نمائیم. ناترازی اصلی امروز کشور، ناترازی بین حرف و عمل است. امروز موفقیت دولت در رشد ۸ درصد است. نمی‌شود نسبت به قوانین کشور، سلیقه‌ای برخورد کنیم.

نقدی بر مفهوم پردازی حول عبارت «فرهنگ پادگانی»

■ سعید توانا

شـاید بارها شنیده باشـید که هر گونه قانون‌گذاری در حوزه فرهنگ و هنر را با چوب «فرهنگ، پادگان نیست!» می‌رانند. اما این ادبیات نخ‌نما شده چقدر بر منطق و استدلال استوار است؟ به نظرم این نگاه بیشتر از اصلاح رویکردهای سیاستگذاری فرهنگی، باعث می‌شود که هیچ چارچوبی در این عرصه محترم شـمرده نشود و کارشناس مورد وثوق این دولت در عرصه فرهنگی، جلوی چشـم ده‌ها میلیون ایرانی، خشـم و عصیان را بر عقـل و درایت ترجیح دهد و بی‌فرهنگی و بی‌ادبی، جلوی چشـم میلیون‌ها مخاطب در قالب پرتاب میکروفون خودنمایی کند! اگر این عزیزان معتقدند فرهنگ قابل قانون‌گذاری نیست، پس باید گفت قابل عملیات اجرایی در قالب قوه مجریه هم نیست فلذا با این سطح فهم از نسبت بین فرهنگ و قانون، شاید بهتر باشد آقایان این پست‌ها و امکانات را تعطیل کرده و تحویل مردم دهند! خوب نیست برای هر چیزی به قانون و عقل مراجعه می‌کنیم، برخی بگویند این حوزه پادگان نیسـت! یعنی در قاموس فکری این‌هـا فقط پادگان قانون دارد و وزارتخانه خودشان هم با آن همه قانون و سلسله مراتب، پادگان اسـت و گوینده هم معاون پادگان؟ برخی حرف‌ها خودمتناقض اسـت و بیش از هر کس، گریبان گوینده را می‌گیرد. کاش احتیاط شود و در تعریض به نهادهای قانونی کشور، در روزهای ابتدایی دولت خیلی عجله نشود تا شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون فرهنگی مجلس هم بر امور خود متمرکزتر باشد و اولویت بر تعامل در جهت پیشبرد کارهای مهم در حوزه تنظیم‌گری باقی بماند و لزوم استفاده از ابزارهای قانونی در خصـوص کژکارکردی‌های وزارت ارشـاد کاهش یابد. به نظر نگارنده، پایه‌های این ادبیات سازی و تلاش برای اقناع حاکمیت در منجمد نمودن بهره برداری از ظرفیت‌های قانونی و حقوق عمومی برای تحقق اهداف فرهنگی، به بی‌اعتقادی به‌کارگیرندگان این ادبیات به امکان اثرگذاری ابزار قانون در حوزه فرهنگ نیست بلکه تلاشی برای ایجاد خطای محاسباتی برای مسئولان امر و متوقف کردن آن‌ها در حوزه‌های فرهنگی اسـت که با قاعده‌گذاری صحیح، می‌تواند فرهنگ غرب را تضعیف کند و این ریشه اصلی مقایسه قانون‌گذاری در حوزه فرهنگ با پادگان نظامی است! وگرنه کیست که نداند همین جریان سیاسـی در دهه هفتاد، چگونه از ظرفیت قانونی و نهادی کشور، علیه فرهنگ ملی و دینی ایرانیان استفاده نمودند و متأسفانه موفقیت‌هایی هم در راستای غربی‌سازی فرهنگ ایرانیان به‌دست آوردند! آن‌چه به خوبی قابل تشخیص است، تمرکز دنباله‌های غرب در داخل کشور بر گفتمان‌سازی از کرسی‌های دانشگاه برای استحاله فکری مسئولین کلان نظام است که پس از شکست پروژه‌های سه دهه اخیر در تغییر رویکردهای کلی نظام، این بار بیشتر متمرکز بر تغییر نرم از مسیر گفتمان‌سازی و القا ایده‌های خود به مسئولین و معتمدان نظام دنبال می‌شود که لازم است مسئولین محترم و نیروهای انقلابی در دانشگاه‌ها به این راهبرد عنایت کافی را داشـته و در جهت عکـس آن حرکت نمایند. مقابله با جریان غرب در این مسیر نیازمند تقویت مبانی دینی و ایجاد «نهضت جهاد تبیین توسط اساتید و دانشجویان انقلابی» برای گفتمان‌سازی و ادبیات‌سازی در راستای سیاست‌های کلان نظام در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ است که در ادامه لازم است با پوشش هماهنگ و یکدست توسط رسانه‌های جریان انقلاب، پشتیبانی و تکمیل گردد.

بیم و امید تحولات سوریه

■ آیت‌الله عباس کعبی

سـقوط نظام بشار اسـد به شکل سـریع وبا قهر و غلبه و بدون تقریباً مقاومت دولت و ارتش سـوریه صورت گرفت. و تأثیرات آن در منطقه و عرصه بین الملل بسـیار گسترده خواهد بود نمونه آن بلافاصله گسترش تجاوز رژیم صهیونی به جبل الشیخ برای تهدید بقاع غربی لبنان و تضعیف سـوریه است. علل و عوامل این سقوط و درس هـا و عبرت های آن که نکته‌های باریک‌تر از موی زیادی دارد؛ در جای خود توسط صاحب نظران اندیشه ورز فارغ از هیاهوی رسانه‌ای باید بررسی شـود اما اجمالا می‌توان موارد زیر را نام برد. ۱_ فرسایش دولت و ارتش سوریه و خسته بودن و بی انگیزه بودن ۲_ ضعـف اراده و فقدان برنامه عملیاتی بـرای مقابله با براندازان مسـلح ۳_ غفلت و فریب راهبردی از آمریکا ودنباله های آنان در منطقه و ترجیح سـازش و مذاکره بـر مقاومت ۴_ جدی نگرفتن هشـدارهای رهبری مبنی بر اینکه (غربی‌ها و دنباله های آنها در منطقه قصد داشـتند با جنگی که علیه سوریه به راه انداختند نظام سیاسـی این کشور را ساقط و سـوریه را از معادلات منطقه حذف کنند اما موفق نشـدند و اینک قصد دارند با شـیوه‌های دیگر و از جمله وعده‌هایی که هیچگاه به آنها عمل نخواهند کرد سوریه را از معادلات منطقه خارج کنند.) به هر حال باید پذیرفت این شکسـت بزرگ برای دولت بشـار که به طور عمـده برای دلخوش بودن به وعده‌های تو خالی غرب و دنباله های آن در منطقه رخ داده اسـت. انصافاً همانگونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در خرداد ماه امسال در دیدار بشار اسـد فرمودند: (مقاومت؛ ویژگی ممتاز سوریه است). بویژه در جنگ ۲۰۰۶ آنگونه که در یک دیدار خصوصی با پرچمدار مقاومت شـهید بزرگ اسلام سید حسن نصر الله رضوان الله تعالی شنیدم بشار اسد انبارهای تسلیحاتی خود را به روی مقاومت حزب الله باز نمود. و علت حمایت از سـوریه حمایت از مقاومت اسـت و سوریه تبدیل به پل پشتیبانی و عبور مقاومت شده بود. اما متأسفانه بعد از عملیات طوفان الاقصی با تهدید و تطمیع و جنگ روانی دولت و ارتش فرسوده سوریه سازش را بر مقاومت ترجیح دادند و اگر راه مقاومت را انتخاب می‌کردند به طور قطع شکسـت نمی‌خوردند؛ و این شکست نباید به اشتباه؛ شکست مقاومت و یا شکست جمهوری اسـلامی ایران تلقی شود. مقاومت اسلامی به فضل الهی در عمق جان ملت‌ها و انسـان‌های آزادی‌خواه نفوذ کرده است و با تدبیر و حکمت و طرح و برنامه و نقشه راه عملیاتی و اقدام مستمر می‌توان تهدید ناشی از سقوط نظام حامی مقاومت را به فرصت تبدیل کرد. چشـم انداز این فرصت سـازی در اصول بنیادین و شعارهای زنده انقلاب اسلامی نهفته است که به سه اصل مهم آن اشاره می‌کنیم. ۱_ احترام و حمایت از حفظ اسـتقلال و وحدت و تمامیت ارضی؛ آزادی؛ حق تعیین سرنوشت توسط مردم؛ و خدمت به مردم و مردم گرایی و عدالت؛ پیشرفت و عزت و کرامت انسان و نفی وابستگی و دخالت در امور داخلی کشـورها؛ لازم به ذکر است حضور و حماسه مدافعان حرم به فرماندهی سرلشـکر شهید حاج قاسم سلیمانی در مقابله با داعشی ها و گروه‌های تکفیری مورد حمایت آمریکا و رژیم صهیونی اسـت وبا پایان داعش و شکست آن نتیجه بخش گردید و هرگز به معنای حمایت از دولت بشار در سیاست داخلی خود و یا برعلیه گروه‌های مخالف سوری نبوده است. جمهوری اسلامی ایران بارها از گفتگوی سوری _ سوری و اصلاح قانون اساسی و احترام به حقوق مردم سـوریه با طیف‌ها و طوایف و قومیت ها و مذاهب گوناگـون و تغییر رویه حکمرانی و مشـارکت احزاب سیاسـی در حکومت صحبت کرده است و در این زمینه حضور و حمایت و ارائه سند اقدام مشترک با حضور ایران و روسیه با معارضان از طیف‌های گوناگون می‌تواند مورد اسـتناد قرار گیرد. متأسـفانه ایران ستیزی و شیعه سـتیزی و وجود برخی گروهای تکفیری و تند افراطی در میان براندازان و طراحی و تحریک دشـمنان برعلیه جبهه مقاومت و ایران سو تفاهمات تلخی ایجاد کرده است که با گفتگوی صریح و جـدی و راهبردی با عقلای طرفدار مقاومـت در میان حاکمان جدید وبا وسـاطت گروه‌هایی نظیر حماس و اخوان المسـلمین و برخی کشـورهای منطقه می‌توان طرحی نو در جهت تأمین منافع پایدار ملت سـوریه و مقاومت اسلامی و امنیت منطقه ارائه داد. در اینجا باید هشدار داد که اشتباه استراتژیک تاریخی مرسی و اخوان المسـلمین مصر در اعتماد به وعده‌های فریب و توخالی آمریکا و غرب باعث شد هشت ماه دوام نیاورند و کودتا در مصر نظام نوپا را متلاشی کرد. باید به بازیگران وضعیت جدید مسلط بر سوریه گفت این هشدار را جدی بگیرید و هرگز به آمریکا وغرب و صهیونیست هـا اعتماد نکنید هیچکدام از وعده‌هـای خود را محقق نمی کنند در ایـن صورت خطر تجزیه و کودتای امریکایی در سـوریه تکرار خواهد گردید. ۲_ اهتمام به امور مسـلمین واتحاد امت اسلامی و تحکیم پایه‌های برادری اسلامی وپرهیز از تندروی مذهبی و تکفیر مسـلمین وایجاد راه حل‌هایی برای پایان سو تفاهمات واغاز فصل نوینی از همکاریهای اسـلامی از طریق ائتلاف سـازی و تشکیل اتحادیه‌های نخبگان جهان اسـلام. جمهوری اسـلامی همواره از هرگونه حرکت وسازوکاری که به استقرار امنیت وارامش در منطقه وپیشـرفت وعدالت وتحقق عزت وکرامت ومصالح امت اسـلامی منجر می‌شـود به شدت استقبال می‌کند. وحدت اسلامی راهبردی حیات بخش اسـت وهرگز تاکتیکی زود گذر نیست .۳_ مقاومت ومبـارزه با رژیم صهیونی و حمایت همه جانبه از مردم فلسـطین وغزه و همکاری مشـترک در مقابله با اسلام ستیزی و حمایت از حقوق انسـان‌ها در چارچوب اعلامیه اسلامی حقوق بشر. در پایان باید اشـاره کنیم امام خامنه ای مد ظله بـا هدایت‌های حکیمانه و نورانیت ومدد ونصرت الهی وهشـدارهای به موقع و محاسـبات برپایه سـنت‌های الهی حاکم بر جامعه وتاریخ و ترسـیم افق‌های روشن اینده بر پایه ایمان وامید؛ همواره بشارت داده اند که حماس وحزب الله زنده است ومقاومت قوی‌تر می شودوهمانگونه که سید شهید بزرگ مقاومت در وصیت خود به امت اسلامی بارها فرمودند خیر دنیا واخـرت همگان در تقویت ایمان محکم به ولایت فقیه و وفاداری وپیروی وحرکت بر مدار منظومه فکری امام خامنه ای مد ظله العالی است. سقوط دولت بشار اگرچه توسط بازیگران منطقه‌ای با سرکردگی آمریکا وصهیونیسـت ها صورت گرفت. اما پر واضح اسـت ایجاد ثبات وامنیت در منطقه تنها در صورتی محقق می‌شود که امت اسلامی یکپارچه درمقابل خوی تجاوزگری رژیم صهیونی شـجاعانه بایستد. ومقاومت قادر به این کار هست. به قول دبیرکل جدید حزب الله لبنان علامه شـیخ نعیم قاسـم حفظه الله در باره خوی تجاوزگری و وحشـی گری رژیـم صهیونی؛ ما قلاده حیوان وحشـی خارج از کنترل صهیونی را به دست می‌گیریم وبه طویله بازمی گردانیم. و لاتهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین.

تله استعمار

■ محمدرضا طاهری

شـتاب روزافزون حـوادث در خاورمیانه این پرسـش را مطرح می‌کند که آیا برای بی ثباتی بی پایان این منطقه توجیهی نظری وجود دارد؟ یوآف گالانت، وزیر دفاع سابق رژیم صهیونیستی در جمله معروفی می‌گوید: ما در جنگ با حیوانات انسـان نما هسـتیم و بر همین اساس عمل می‌کنیم. محاصره کامل برقرار می‌کنیم؛ نه برق، نه غذا، نه آب، نه سوخت. همه چیز بسته خواهد شد. شاید گمان شود تعبیر حیوانات انسان نما صرفاً یک ناسزاست، اما چنین نیست. یائیر نتانیاهو پسر نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز فلسـطینیان را چنین خطاب می‌کند: هیولاهایی در شکل انسان، که از سال ۱۹۶۴ به عنوان فلسطینی شناخته می‌شوند. نتانیاهو نیز فلسطینیان را همانند عمالیق می‌داند که بنا بر متنی تحریف شده در تورات، فرمان داده می‌شود که: برو و عمالیق را قتل عام کن. بر آنها رحم نکن، بلکه زن و مرد و طفل شـیرخواره، گاو و گوسفند و شتر و الاغ همه را نابود کن. اما داسـتان چیسـت؟ واقعیت آن است که ریشـه بحران در خاورمیانه یک مبنای نظری نیز دارد که توجیه کننده دخالت و اسـتعمار غرب در منطقه بوده است. انسـان غربی همواره خود را برتر از بقیه جهان می دانسـته است و این امر در آرای بزرگترین متفکران غربی نیز بازتاب یافته است. برای نمونه فردریش هگل، یکی از مهم‌ترین فلاسفه غربی، هم بردگی آفریقایی ها را موجه می‌دانست و هم هولوکاست و کشتار سرخپوستان آمریکایی را. درست شبیه خلفش هابرماس و بسیاری از اندیشمندان غربی که از کشـتار هزاران زن و کودک در فلسـطین یا حمایت کردند و یا سـکوت پیشه کردند. هگل سیاهان را اهل حس، آسـیایی ها را اهل درک و شهود، و اروپایی ها را اهـل عقل و خرد توصیف می‌کرد. علاوه بر این مبنای انسان شناختی، وی یک فلسفه پیچیده برای توجیه استعمار نیز سـاخت که بر اساس آن، تعارضات ذاتی جامعه مدنی بورژوازی نیازمند یک خروجی به جهان سوم است. پیش از او امانوئل کانت، فیلسوف نامدار روشنگری نیز معتقد بود تفاوت میان نژاد سیاه و سفید از لحاظ توانایی‌های ذهنی به گسـتردگی تفاوت میان رنگ‌های آنهاست. تصاحب زمین‌های بومیان آمریکا نیز بر مبنای نظریه مالکیت جان لاک، پدر اندیشـه لیبرالی، توجیه پذیر می‌شد. فردریک لوگارد، فرماندار کل بریتانیایی نیجریه در سال‌های ۱۹۰۷–۱۹۱۹ قدرتهای اروپایی را قیم و متولی مناطق اسـتوایی و حاره می‌دانست و معتقد بود این مناطق میراث بشریت هسـتند و نژادهایی که در آنجا سکونت دارند حق ندارند مانع بهره برداری از مواهب آن برای دیگرانی شـوند که بدان نیاز دارند. واقعیت آن است که انسان اروپایی خود را با آسیایی ها، آفریقایی‌ها و سرخپوست‌ها برابر نمی‌داند. این امر بخشی از این واقعیت را تبیین می‌کند که چرا دیپلماسی به تنهایی نمی‌تواند مسائل خاورمیانه را حل و فصل کند؛ آری ما برابر نیستیم که بر سر یک میز در برابر هم بنشینیم. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و رهایی سرزمین‌های عرب از سلطه ترکان جوان عثمانی، امکان استقلال و حتی حرکت به یک حکومت دموکراتیک در سوریه وجود داشت، اما دخالت بریتانیا و فرانسـه و قرارداد استعماری و سری سـایکس پیکو میان این دو کشور، تمام امیدهای صلح، ثبات و مردم‌سـالاری را در منطقه بر باد داد. خانم الیزابت تامپسـون در کتاب چگونه غرب دموکراسی را از عرب‌ها دزدید به خوبی نشـان داده است که چگونه سیاست‌های استعماری مانع رشد مردم‌سالاری در میان عرب‌ها و بویژه سوریه گردید. همچنانکه تامپسون بیان داشته است، فرانسه مانع از انتخابات قانون اساسی توسط ملک فیصل، فرزند شریف حسـین، گردید و ارتش فرانسه با ورود به کنگره سوریه و کاخ فیصل، تمامی پیش نویس های قانون اساسی را ضبط کرد و در حال حاضر هیچ نسخه اصلی از آن وجود ندارد و احتمالاً فقط در اختیار فرانسه است. زمانی که ژنرال آلنبـی، فرمانده نظامی بریتانیایی، در حال مذاکره با ملک فیصل بود و قول عدم مداخله فرانسـه را در امور سیاسی عرب‌ها می‌داد، قرارداد سـری و استعماری سایکس پیکو امضا شـده بود! واقعیت آن است که کشورهای سلطه گر بر خلاف آنچه بر زبان می‌آورند، مردم‌سـالاری را برای ما نمی‌پسندند و یک دیکتاتوری وابسته را ترجیح می‌دهند. بخشی از دلیل دشمنی با ایران بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران نیز بر همین مبناست. یک مردم‌سالاری واقعی و حضور جمهور مردم در اداره کشور، بزرگ‌ترین تهدید برای سیاست‌های اسـتعماری جدید است. از همین روست که شکاف میان دولت و ملت و این باور در دولتمردان که راه حل مشکلات نه در تکیه بر ظرفیت‌های مردمی و داخلی که در اتکا به قدرت‌های خارجی اسـت، مهمترین تهدید برای هر کشوری است. واقعیت آن است که ما ایرانیان و عرب‌ها در نظر نظام سلطه، همانطور که فردریک لوگارد توصیف کرده بود، ساکنان خاورمیانه هستیم نه صاحبان آن. و اجازه نداریم مانع از بهره برداری آنان از مواهب این سرزمین‌ها شویم. سوریه قربانی شد، قربانی یک سیاست استعماری صد ساله.دولتمردان ما نیز این اصل بسیار مهم را همواره پیش چشم داشته باشند که هر راهبرد، تاکتیک، سیاست، برنامه یا قانونی که به شکاف دولت و مردم کمک کند و جمهوریت و اتکا به جمهور را تضعیف کند، گامی به سوی سقوط در تله استعمار است.

خبر

عبرت سوریه برای غرب‌گراها

یکی از درس‌هایی که از تحولات سـوریه می‌شود گرفت این است که نسخه لیبرالیسم بـرای خاورمیانه چیـزی جـز بی‌ثباتی و تروریسـم نیسـت. سـقوط حکومت بشار اسـد در سـوریه و واکنش‌های مسرورانه مقامات غربی، بار دیگر اسـتراتژی پیچیده و متناقض قدرت‌های غربی در خاورمیانه را به نمایش گذاشـت، از اظهارات جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا که این سقوط را «عمل اساسـی عدالت» خواند، تا پیام‌های امانوئل مکـرون، رئیس‌جمهـور فرانسـه و کی‌یر اسـتارمر، نخسـت‌وزیر بریتانیا، که از پایان «دولت وحشی» سخن گفتند، نشانه‌هایی از حمایت ضمنی غرب از تحولات ناگهانی در سوریه به چشم می‌خورد، اما نکته جالب‌تر، واکنش مقامات غربی به نقش هیئت تحریر الشام اسـت، گروهی که خودشان پیش‌تر آن را یک سـازمان تروریستی می‌دانستند و برای کشـتن جولانی سرکرده آن نیز جایزه تعیین کرده بودند.اظهارات یک مقام ارشـد آمریکایی درباره «ضرورت واقع‌بینی نسبت به واقعیت‌هـای میدانی سـوریه و امکان خروج تحریر الشـام از فهرسـت گروه‌های تروریستی» که واشنگتن پست آن را منتشر کرده است گواهی بر استراتژی دیرینه غرب در بهره‌گیـری از گروه‌هـای افراطی برای دسـتیابی به اهداف منطقه‌ای اسـت، این واقعیت بار دیگر نشـان می‌دهد که نسخه لیبرالیسم به‌خلاف ادعای دموکراسی برای خاورمیانـه، ترویج هرج‌ومـرج و حمایت از گروه‌هـای افراطـی را تجویـز می‌کند به همین دلیل نیز یک گروه که توسـط خود آمریکا تروریسـتی نامیده شده است، نسبت به یک دولت رسـمی ارجحیت پیدا می‌کند. این سیاسـت‌ها در حالی بـه پیش می‌رود کـه برخی جریان‌های داخلـی همچنان بر نادیده گرفتن جنبه‌هـای خارجی تحولات منطقـه تأکید می‌کنند و عامل اصلی را تنها به نارضایتی‌های داخلی نسبت می‌دهند اما، آیا واقعاً درس‌های سوریه تنها در نارضایتی مردمی خلاصه می‌شـود؟ یـا باید به نقش مستقیم و غیرمسـتقیم قدرت‌های خارجی در شـکل‌گیری بحران‌هـای منطقه‌ای نیز توجه کـرد و با نگاهـی منتقدانه‌تر به ایده لیبرالیسم و توسـعه دموکراسی که آمریکا مدعـی آن اسـت نگریسـت؟ آنچه غرب برای خاورمیانه به‌ارمغـان می‌آورد، چیزی جز بی‌ثباتـی و هرج‌ومرج نیسـت. کودتا، توتالیتاریسـم، و تروریسم؛ این سه سناریو، استراتژی کلی لیبرالیسم برای خاورمیانه را ارائه می‌دهند؛ اسـتراتژی‌ای که نه بر پایه دموکراسـی، بلکه بر اساس تفرقه، سلطه و غارت منابع منطقه بنا شـده است. این سه رویکرد، هر یک در گوشه‌ای از منطقه پیاده شـده و در نهایت، تنها به تعمیق بحران‌ها و حفظ نفوذ اسـتعماری غرب کمک کرده اسـت. در مواردی مانند ترکیـه، کودتای نافرجام ۲۰۱۶ که به عبدالله گولن نسـبت داده شـد، یکی از نمونه‌های آشکار دخالت غرب در تلاش برای تغییر سـاختار قدرت بود. این رویکرد، به‌جـای ایجاد اصلاحات یـا ثبات، تنها به تقویت سـرکوب داخلی و گسترش شـکاف‌های اجتماعی منجر شد. از سوی دیگر، توتالیتاریسم، نسخه‌ای دیگر از این سیاست‌هاسـت. کشـورهای متحد غرب در منطقه، مانند عربسـتان سـعودی و اخیـراً ترکیـه، نمونه‌هایـی از نظام‌های تمامیت‌خواهی هسـتند که از حمایت‌های غرب برخوردارند، ایـن حمایت‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد که ادعای غرب در زمینه حقوق بشـر و دموکراسی تنها ابزاری برای پیشبرد منافع خود اسـت. اما شاید خطرناک‌ترین و آشـکارترین ابزار غرب در منطقه، تروریسم باشد. نمونه سـوریه، گویاترین مصداق این سیاست اسـت، جایی که غرب از گروه‌های تروریستی به‌عنوان ابزارهایی برای براندازی دولت‌ها و گسـترش آشوب اسـتفاده کرده است. حمایت‌های مسـتقیم و غیرمستقیم از گروه‌هایی مانند داعش و تحریر الشـام، نشـان‌دهنده بهره‌بـرداری نظام‌مند از این گروه‌ها برای دستیابی به اهداف ژئوپولیتیک اسـت. قدرت‌هـای غربـی در مواجهه با خاورمیانه، سیاستی متناقض را دنبال کرده‌اند که محور آن بر اسـتفاده از دیکتاتورها برای اسـتثمار منابـع منطقـه و در ادامه ترویج آشوب و تروریسم برای تسلط بیشتر استوار بوده است، این سیاسـت‌ها نشان می‌دهند که هـدف نهایی غرب در ایـن منطقه نه ثبات، بلکه ایجاد بی‌ثباتی کنترل‌شده برای دستیابی به منافع استراتژیک است.